هُوَ
۱۲۱

۱۵۵

سلسله درسهای عرفانی

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

بـه کسـی جمـال خـود را ننمـوده‌ای و بیـنم
همه جا، به هر زبانی، ز تو هست، گفت‌وگویی

به‌عنوان درک دقیق‌ترِ مطلب، خیلی مطالبی هست که ما می‌بینیم وجود دارد ولی نمی‌توانیم آن را نشان بدهیم. این خودکار وجود دارد، تا گفتی کجاست؟ می‌گویم این خودکار ولی درد را نه، کسی که دندانش درد می‌کند یا دستش درد می‌کند، نمی‌شود گفت: بی‌خود می‌گوید! درد می‌کند دکتر می‌رود، به بیمارستان می‌رود. نمی‌شود نشان داد. بله، بگویند: منشأ این درد که مثلاً در شانه‌ی تو پیدا شده مال این است که استخوان دست با استخوان سینه اصطکاک پیدا می‌کند، ساییده می‌شود. اینقدر می‌توانیم از درد بفهمیم. تازه حالا مثلاً پریروز، (یک پریروزی) دیدم که مجله‌ای نوشته فلان مؤسسه‌ی علمیِ جهان دنبال این هستند که درد چیست. این درد از اوّلی که بشر آفریده شده، با او بوده حالا تازه می‌خواهند بفهمند که این علّتش چیست، اصلاً این درد چیست. همینطور محبّت، بغض، همه‌ی اینها چیزهایی است که وجود دارد ولی آدم نمی‌داند چه چیزی را نشان بدهد. ما وجودِ اینها را به‌عنوان آثارش می‌گوییم. مثلاً می‌گوییم درد چیزی است که عضو را از کار می‌اندازد. این خودِ درد نیست، یک اثری است که درد دارد، یا محبّت چنین می‌کند یا بغض چنین می‌کند ولی اینکه چیست، نمی‌دانیم چیست. مجموعه‌ی اینها را ما فکر کنیم، چقدر مسائلی در دنیا هست که نمی‌دانیم. بنابراین آنچه را نمی‌دانیم، نباید به‌صورت قاطع بگوییم نخیر، چنین چیزی نیست ولی نباید هم فوری قبول کنیم، هر دو. اینجا آن دستورالعمل یا شعری که ابوعلی سینا گفته، می‌گوید: هر چه به گوشِت خورد، باور نکن ولی نگو هم دروغ است. باور نکن تا وقتی که خودش بر تو ثابت بشود. در اینجا واقعاً شاهکار گفتار این است که جمع بین معنویّت و ظاهر است. معنویّتش این است که می‌گوید باور نکن ولی نگو که نیست، شاید باشد و تو نمی‌دانی، امّا فوری باور نکن یعنی تا مثلاً دستت درد می‌کند، بگویند چنین کن. فوری از هر کسی باور نکن مگر متخصّصی باشد. امتحان کردی یک‌خرده دیدی خوب است، آنوقت باور کن ولی از همان اوّل هم نگو غلط است. ما هم در زندگی باید همینطور باشیم. اینها علائم و چیزهای کوتاهی است که ما فوری می‌توانیم بفهمیم. می‌توانیم بفهمیم درد یک چیزی است که دیده نمی‌شود، حس دارد، وجود دارد ولی وجود غیر مادّی. بیشتر نمی‌توانیم بگوییم ولی همینقدرش هم خودش بر ما تحمیل می‌کند. حتّی این مسأله مختصّ کودکان نیست، بزرگترها هم همینطور هستند. به این معنی که مثلاً یک سیّاحی می‌آید و می‌گوید در فلان‌جا یک گیاهی است از آن یک غذایی درست می‌کنیم، مزه‌اش خیلی خوب است که انسان را به عوالم دیگری می‌برد. تا نخوردی، ندیدی، نمی‌توانی بگویی حرفت صحیح است یا نه ولی از آن‌طرف هم

نمی‌توانی بگویی به‌قول سعدی: «جهاندیده بسیار گوید دروغ».

در دل خودت هر چه می‌خواهی بگو ولی در آداب اجتماعی نمی‌توانی بگویی. تا وقتی بر تو چیزی ثابت بشود. خداوند هم همینطور است. وقتی از مورد درد، بغض، محبّت اینطور مسائلی که مختصّ بشر است، از اینطور موارد ما تجربه می‌کنیم، می‌فهمیم که چیزهایی هست که نمی‌بینیم، خداوند هم از همین قبیل است، از این نوع است. در آن دنیایی است که واقعیت‌ها بر آن حکومت می‌کند، همان شعری که خواندم:

بـه کسـی جمـال خـود را ننمـوده‌ای و بیـنم
همه جا، به هر زبانی، ز تو هست، گفت‌وگویی

بنابراین جلوه‌ای که مثلاً موسی علیه‌السلام به خداوند عرض کرد: رَبِّ أَرِنِی (سوره اعراف، آیه ۱۴۳) خدایا! خودت را به من نشان بده. این به خداوند یعنی بالاترین مقام معنویّت است و از طرف موسی که بالاترین مقام بشریّتِ آن زمان خودش است. خداوند در تمام آیات قرآن که حالات و قواعد طبیعی را می‌گوید، اوّل می‌فرماید: من را نمی‌توانی ببینی. این علامت دفع و علامت غضب نیست که من را نمی‌توانی ببینی. البتّه، اگر دو نفر انسان با هم صحبت کنند، یکی به دیگری بگوید: من را نمی‌توانی ببینی، این صحیح نیست، چیز غلطی است ولی خداوند که از عوالم دیگری است به موسی که از عوالِم مثل ما است می‌گوید: نمی‌توانی ببینی یعنی تا مایی هستیم، بشری هستیم، رؤیت خدا با این چشم ممکن نیست. حالا ممکن است بگوییم منظور موسی این بوده است که چشمِ من را بینا کن یعنی من را آنطور کن. حالا به‌هرجهت آنها به‌عنوان نمونه برای ما هستند و به ما هم همین داستان را، اوّل نشان می‌دهد. جدا بودنِ آن عوالم از این عوالم و اینکه هیچکدام از این عوالم معنویّت با چشم و گوشِ عوالم مادیّت قابل دیدن نیست. منتها این امر باز موجب شده که خواب و خیال خیلی‌ها زیاد شده، یک مطالبی خیلی عجیب و غریبی می‌گویند. فرض کنید در یک فیلم سینمایی که خیلی می‌بینید، یک حالتی که می‌شود، مثلاً می‌بینید این به او گفت: برو! رفتند. شما می‌گویید که اینها بعد چه‌کار می‌کنند؟ می‌گویید: این کار را خواهند کرد، حدس می‌زنید. آن رفیقتان یک چیز دیگر می‌گوید، همه هم هرکدام، حرف خودشان را صحیح می‌دانند و حال آنکه اینطور نیست، هیچکدام از اینها نیست. آنچه که در پسِ پرده هست چیزهایی است که در این وضع یعنی در فکر ما قابل دیدن و فهمیدن نیست. فقط شما و ما تا اندازه‌ای که می‌توانیم و به ما قدرت داده، از آن عوالم بهره برمی‌داریم، باید دستوراتی که از خودِ آن عوالم می‌رسد قبول کنیم ولی خواب و خیال را در این مورد کنار بگذاریم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۴، جلسه خواهران ایمانی)

*****

من چه گویم یک رگم هوشیار نیست شرح آن یاری که او را یار نیست

خداوند، قرآن را فرستاده یا قبلاً *تورات* و *انجیل* را (*تورات* و *انجیل* تمامش فرمایشات خدایی نیست. یک مقداری از آن جزء فرمایشات خداوند است.) ما حالا برای اینکه یک قدری بفهمیم که غیر از این وضعیاتی است که داریم، یک دنیای دیگری هست، به ما خواب را مقرّر کرده در خواب و خود

خوابیدن و بعد خواب دیدن این خواب‌هایی که دیدیم، می‌بینیم این تصویرها از کجا می‌آید؟ حتّی در خیلی از نویسندگان، علما یا علمای به‌خصوص «سایکولوژی»، روانشناسی و این «سایکو» خیلی حرف است اینها غالباً می‌گویند رویایی که ما می‌بینیم، ترکیب تازه‌ای است از چیزهایی که دیدیم، حس می‌کنیم. این را ما، در زندگی عادی‌مان خیلی می‌بینیم. یک ساختمانی می‌بینیم خیلی به نظر ما آشنا می‌آید بعد خوب دقّت می‌کنیم می‌بینیم که مثلاً ایوان، پنجره‌هایش شبیه پنجره‌های فلان جا هست. می‌گویند خواب همینطوری است حتّی بعضی‌ها در اینکه پیدا کنند که این خوابی که این شخص دیده، مربوط به کجاست از کجاست؟ یکی از این دانشمندان خواب‌شناس، خواب‌گذار، البتّه خواب‌گذار مثل آن معبّرین قدیمی نیست بی‌اطلاع یک چیزهایی در یک رشته‌هایی مثلاً خیلی پیشرفت کرده خواب را هم می‌گوید: خواب دیدم کسی در کشتی نشسته است به شکل هندوستان در دریا دارد می‌رود به سمت یک خشکی بزرگ‌تری به آن می‌رسد، می‌چسبد به آن از وسطش هم یک دودی بلند می‌شود همین‌قدر بیدار شدم هر چه گشتند همچون چیزی پیدا کنند، ندیدند. آن دانشمند برای اینکه حرفش را به کرسی بنشاند، می‌گوید: این خوابش مربوط به دوران‌های خیلی قدیم کره‌ی زمین است که آن کشتی شکل هندوستان است یعنی قدیم هم همینطور بوده است هندوستان بر فرض اینطوری باشد، این شخص کجا بوده که این را دیده به‌هرجهت گیر کردند. این فقط نمونه‌ای است برای ما که غیر از دنیایی که ما می‌بینیم جلوی چشم‌مان هست و کار می‌کنیم، دنیاهای دیگری هست حتّی دنیاهای دیگری که در آنها از مجموع آنها که ما جمع می‌کنیم، راهی هم می‌بینیم. اگر همینطور باشد که ما از چیزهای ندیده می‌بینیم، پس باز هم یک معنایی دارد مایی که آنوقتی که این خواب را می‌بینیم یک مایی هستیم اینطوری با این بدن انسان ولی یک خواب‌هایی می‌بینیم مربوط به زمانی که اصلاً هیچ وجودی نبوده در جهان این از کجا به شکل آنجا مجسم می‌شود؟ همه‌ی اینها اگر خیلی فکر کنیم، چنان گیج و سرگشته می‌شویم که به‌قولی مثل دیوانه‌ها می‌شویم ولی آنچه ما درک می‌کنیم، یک تعدادی از خواب‌ها معمولی است، خواب‌هایی که زائد بر مشاهدات عادی ما هست، اینطور خواب‌ها را علامت این بدانیم که از یک دنیای دیگری هست به یک نحوی به ما چشمک زده آنوقت نشان داده می‌شود آن خوابی که دیده، یک عوالمی یک دنیاهایی غیر از این هست. حالا چرا بعضی وقت‌ها نشان داده می‌شود؟ دیگر هنوز چیزی نگفتند راجع به آن، البتّه چیزی نگفتند نه اینکه اصلاً چیزی نگفتند وإلّا وقتی ما راهی غیر از این راهی که عادی هست، طی کنیم در آن‌صورت خیلی از آن مجهولات بر ما آشکار می‌شود. برای راه پیدا کردن به این مطلب باید فکر کنیم کسانی که دیدند، رفتن یک چیزهایی گفتند که ما مردم یا قبول نکردیم یا مسخره‌شان کردیم از آن راه آنها را پیدا کردند. خیلی اوقات به‌اصطلاح در بی‌هوشی یا در عوالم مستی حتّی یک مسائلی را دیده و به‌نظر شخص می‌رسد که به‌هیچ‌وجه سابقه ندارد. برای تنظیم اینها و فهمیدن اینکه اینها چه هست، اگر همین را رها کنیم هیچی نگیریم مثل یک جنگل مولا می‌شود خیلی شلوغ پلوغ ولی راه‌هایی که انبیاء و بزرگان نشان دادند این یعنی تمرکز فکر رو به آن کسی که اینجا را آفریده است آخر خداوند می‌گوید: وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی (سوره حجر، آیه ۲۹/ سوره ص، آیه ۷۲)، از روح خودم در او دمیدم، آیا خداوند پاره‌ای از روح خودش که در این انسان آفریده را رها می‌کند که با سایر حیوانات هم‌زمان

باشد؟ نه! مسلّماً یک مزایایی برای او قائل است اگر استعداد داشته باشد یا لیاقت داشته باشد، آنها را درک می‌کند و اگر نداشته باشد نه! بنابراین همانطوری که از همه‌ی نعمات الهی که به ما داده چشم، گوش، دهان، دست، پا از همه‌ی اینها ما، در زندگی‌مان استفاده می‌کنیم از این هم باید استفاده کنیم یعنی راهی را که آنها نشان دادند از همان راه برویم. ما چطور قادر هستیم، فرض کنید نمی‌دانم، به کره‌ی ماه، مریخ و اینها از اینجا نگاه کنیم، تماشا کنیم، کتاب بنویسیم آنوقت حاضر نیستیم از آن‌طرفِ همین دیوار چیزی بفهمیم نه! حتماً آن هوش و فتانتی که آن کار را کرده، اینجا هم می‌تواند این‌کار را هم بکند. بسیاری از اینهایی که در کتاب و چیزهای قدیم می‌نویسند، رمالی، فال‌گیری اینها که یک اختیاراتی، یک قدرت‌هایی نشان می‌دهند که مردم عادی، معمولی ما که نگاه می‌کنیم نمی‌بینیم. همه‌ی اینها یک موقعیتی است که بفهمیم این دنیا مثل این شهر فرنگ‌ها شهر فرنگی که قدیم نشان می‌دادند قبل از اینکه سینما مُد بشود لابد کمتر شماها دیدید مثل نمایشی بود که دنیا به منزله‌ی این شهر فرنگ است. تمام چیزهای موجودی که خداوند آفریده در اینجا نمایش داده می‌شود. اینها در فکر شما اثر می‌کند اگر فکرتان قوی باشد تمرکز ذهنی داشته باشید، توجّه می‌کنید که همه‌ی این چیزهایی که آفریده شده در ارتباط با آن روح الهی است که خداوند می‌فرماید و بنابراین، آن روح الهی را همینطوری بی‌مصرف نگذارید گوشه‌ای، به مسائل معنوی و باطنی بیشتر بپردازید و در آثاری هم که می‌بینید تمرکز و دقّت بیشتری داشته باشید که در این وسط برنامه‌ی مشخص همین برنامه‌ای است که برای طالبین و برای مجذوبین گفته می‌شود که منظّماً مثل دیواره‌ای است که از وسط این دیواره ما را حرکت می‌دهد و علّت اینکه به خیلی‌ها گفتند از این دستورات تجاوز نکنید یعنی نه زیادتر بگویید وقتی می‌گوید فلان مورد را صد مرتبه بگویید یعنی نه صد و ده مرتبه بگویید و نه نود و نُه مرتبه، درست همان عدد جزء خودش این یعنی در واقع آن دیواره‌ای که مانع است که شما از هوای طوفانی آن‌طرف استفاده کنید، این دعاها هم برای همین است وإلّا اصلش همان ذکر است.
(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.